

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

متن حاضر بیانات امام خامنه ای در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۱۰ است. این بیانات که در واقع ادبیات انقلاب اسلامی در موضوع پیشرفت است مبنای کار کارگروه‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می باشد و تسلط بر آن بسیار حائز اهمیت است. لذا فهرست نویسی این جلسه، که ما از آن به تکنولوژی مهندسی معکوس فکر یاد می‌کنیم، در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ توسط آقای علیرضا فرجی انجام گرفته است.

بیانات امام خامنه ای در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی^۱

با موضوع الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

برچسب‌ها: الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی؛ گفتمان‌سازی؛ تولید علم؛ عزت ملی؛ پیشرفت در عرصه فکر؛ نشست اول، الگوی

اسلامی ایرانی پیشرفت؛ استقلال علمی؛

فهرست مجزا از متن:

۱- ابراز رضایت از مشاهده‌ی ظرفیت موجود در مجموعه‌ی فرزندان کشور برای طرح مسائل پیچیده

۲-۱ تشکر از فراهم کنندگان جلسه

۲- اولین نشست راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در کشور

۳- مقاصد تشکیل نشست راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۳-۱ درگیر شدن متفکران و اندیشه ورزان شرط تحقق مقاصد و حل مسائل کلان کشور

۳-۱-۱ مسئله‌ی تدوین الگوی اسلامی - ایرانی برای پیشرفت، یکی از مسائل کلان کشور

۳-۲ ایجاد یک فرهنگ و یک گفتمان، اول در میان نخبگان و به تبع آن در سطح عموم جامعه

۱ - آدرس بیانات در سایت مقام معظم رهبری:

- ۳-۲-۱- گسترش احساس استقلال و اصلاح دید نخبگان با اندیشیدن در مورد الگوهای بیگانه
- ۳-۳- لزوم ریل گذاری و جاده سازی برای سالهای آینده جهت اداره کشور
- ۳-۳-۱- مسئولیت همه در قبال برنامه ریزی برای آینده اداره کشور
- ۴- **زمانبر بودن ارائه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت**
- ۵- **الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یک سند بالادستی نسبت به همه‌ی اسناد برنامه‌ای و چشم‌انداز کشور**
- ۵-۱- الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، الگویی منعطف با اهداف مشخص و راهبردهایی گوناگون
- ۶- **مفردات الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت**
- ۶-۱- تعمد در جایگزینی پیشرفت بجای توسعه
- ۶-۱-۱- وام نگرفتن مفاهیم از بیگانگان در ادبیات انقلاب
- ۶-۲- در خصوص ایرانی بودن الگو
- ۶-۲-۱- ایرانی بودن طراحان الگو
- ۶-۳- اسلامی بودن الگو
- ۷- **الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت یعنی یک نقشه‌ی جامع**
- ۷-۱- سردرگمی ناشی از عدم وجود نقشه جامع
- ۷-۲- تصویر وضعیت مطلوب و چگونگی نیل به آن با الگو
- ۷-۳- استفاده از دستاوردهای دیگران در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
- ۷-۴- ضرورت پاسخ به سوالات
- ۸- **ضرورت تدوین الگو در این مقطع زمانی**
- ۸-۱- ظرفیت مناسبی فعلی کشور برای تدوین الگو
- ۹- **عرصه‌های پیشرفت در الگوی اسلامی ایرانی**
- ۹-۱- پیشرفت در عرصه‌ی فکر
- ۹-۱-۱- شروع عرصه تفکر از نخبگان و سرریز به جامعه
- ۹-۲- پیشرفت در عرصه‌ی علم

۹-۲-۱- شروع حرکت علمی در کشور

۹-۳- پیشرفت در عرصه‌ی زندگی

۹-۴- پیشرفت در عرصه‌ی معنوی

۹-۴-۱- عرصه معنوی روح همه عرصه های دیگر

۹-۴-۲- ایجاد دنیای انسانی با معنویت

۹-۴-۲-۱- شروع دنیا با ظهور امام زمان عجل الله فرجه الشریف

۱۰- در باب محتوای اسلامی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۱۰-۱- توحید اولین مسئله محتوایی الگو

۱۰-۱-۱- جدائی از خدا مهمترین مشکل دنیای امروز بویژه غرب

۱۰-۱-۲- حل بسیاری از مسائل با حل مسئله‌ی مبدأ

۱۰-۱-۳- توحید، نیرویی عظیم در اختیار بشر موحد

۱۰-۲- معاد دومین مسئله محتوایی الگو

۱۰-۲-۱- تحول اساسی در زندگی با اعتقاد به معاد

۱۰-۲-۲- عقلانی بودن جهاد با اعتقاد به معاد

۱۰-۲-۳- انجام تکلیف با اعتقاد به معاد

۱۰-۳- مسئله‌ی عدم تفکیک دنیا و آخرت در محتوای الگو

۱۰-۳-۱- آخرت و دنیا دو روی یک سکه

۱۰-۴- مسئله‌ی انسان در محتوای الگو

۱۰-۴-۱- متفاوت بودن محوریت انسان در اسلام و مکاتب مادی

۱۰-۴-۲- رستگاری انسان هدف نهائی

۱۰-۴-۲-۱- عمل به وظائف شرط نجات انسان

۱۰-۴-۲-۲- جامعه اسلامی و عدالت مقدمه رستگاری انسان

۱۰-۴-۲-۳- مردم سالاری هم حق و هم تکلیف

۱۰-۵- مسئله‌ی حکومت در محتوای الگو

۱۰-۵-۱- مشروعیت مدیریت در وجود صلاحیت فردی

۱۰-۵-۱-۱- استعلاء و استنثار، منع جواز صلاحیت برای ورود یا پذیرش مسئولیت

۱۰-۶- مسئله‌ی اقتصاد در محتوای الگو

۱۰-۶-۱- مسئله‌ی عدالت در محتوای الگو

۱۰-۶-۲- لزوم نگاه غیر مادی به اقتصاد در الگو

۱۰-۶-۲-۱- تولید ثروت با نگاه الهی و برای سود جامعه

۱۱- آغاز راه در باب مسئله‌ی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۱۱-۱- تشکیل دهها حلقه علمی و ورود صدها نخبه برای تدوین الگو

۱۱-۲- به میدان آمدن همه ظرفیت نخبگانی کشور جهت تدوین الگو

۱۱-۲- لزوم ایجاد یک مرکز پشتیبانی و غیر انحصاری در مورد الگو

متن سخنرانی (با فهرست ممزوج با متن):

۱- ابراز رضایت از مشاهده‌ی ظرفیت موجود در مجموعه‌ی فرزندان کشور برای طرح مسائل پیچیده

امشب بحمدالله بسیار جلسه‌ی خوبی شد و من حقیقتاً بهره بردم؛ هم از مطالبی که بیان شد و هم بیشتر، از مشاهده‌ی ظرفیتی که در مجموعه‌ی فرزندان و اندیشه‌ورزان کشور برای طرح مسائل و امتداد دادن و استمرار دادن به اجزای یک مسئله‌ی پیچیده و مرکب وجود دارد؛ که این را من امشب در مجموع مشاهده کردم.

۲-۱- تشکر از فراهم کنندگان جلسه

خیلی تشکر میکنم؛ هم از شما حضار محترم که زحمت کشیدید و تشریف آوردید و زمان طولانی‌ای را هم در این جلسه گذراندید، و هم از فراهم کنندگان این جلسه، از جناب آقای واعظ زاده و دیگر همکارانی که زحمت کشیدند و این جلسه را ترتیب دادند و فراهم کردند. چون وقت گذشته، من عرایض خودم را زیاد طولانی نخواهم کرد؛ کوتاه صحبت میکنم. ... (۱) ان شاء الله زمان برای صحبت‌های مبسوط هم خواهد ماند.

۲- اولین نشست راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در کشور

این اولین نشست از نوع خود در جمهوری اسلامی است. ما نشستهای زیادی داشته‌ایم؛ چه آن دیدارهایی که خود بنده با مجموعه‌های مختلف داشته‌ام، چه آنچه که اطلاع دارم اتفاق افتاده. بنابراین ما تا کنون از این نوع نشست نداشته‌ایم.

۳- مقاصد تشکیل نشست راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

مقصود ما از تشکیل این نشست - یا درست‌تر بگوییم: سلسله‌ی نشستهایی که ان‌شاءالله در آینده خواهیم داشت -

۱-۳- درگیر شدن متفکران و اندیشه‌ورزان شرط تحقق مقاصد و حل مسائل کلان کشور

در درجه‌ی اول این است که متفکران کشور، اندیشه‌ورزان کشور، خودشان را درگیر مسائل کلان کشور بکنند. کشور مسائل اساسی‌ای دارد. کارهای بزرگی هست که باید انجام بگیرد. توانایی‌ها و ظرفیتهای بسیاری هست که میتواند در خدمت این حرکت عظیم انجام بگیرد. این مقصود تحقق نخواهد یافت، مگر اینکه زبندگان، فرزندان و اندیشه‌ورزان، خودشان را با این مسائل کلان مرتبط و درگیر کنند. این باید اتفاق بیفتد و ان‌شاءالله این خواهد شد.

۲-۱-۳- مسئله‌ی تدوین الگوی اسلامی - ایرانی برای پیشرفت، یکی از مسائل کلان کشور

مسئله‌ی تدوین الگوی اسلامی - ایرانی برای پیشرفت، یکی از مسائل کلان ماست؛ که البته این مسئله در دل خود، ده‌ها مسئله دارد، که بعد عرض خواهیم کرد. این رشته در خصوص همین مسئله استمرار خواهد داشت و در کنار این، مسائل کلان دیگری وجود دارد که بایستی مطرح شود.

۲-۳- ایجاد یک فرهنگ و یک گفتمان، اول در میان نخبگان و به تبع آن در سطح عموم جامعه

هدف دومی که ما از تشکیل این جلسه داشته‌ایم، این است که یک فرهنگ و یک گفتمان، اول در میان نخبگان و به تبع آن در سطح عموم جامعه به وجود بیاید. همین حرفهائی که شما امشب بیان کردید، وقتی در سطح جامعه منتشر شود، ذهن نخبگان و سپس ذهن عموم مردم را به یک سمت اساسی سوق خواهد داد؛

۳-۲-۱- گسترش احساس استقلال و اصلاح دید نخبگان با اندیشیدن در مورد الگوهای بیگانه

اندیشیدن در مورد الگوی توسعه و مدل حرکت به سمت جلو، احساس اینکه باید در این زمینه مستقل باشیم و روی پای خودمان بایستیم، عیوب وابستگی و تکیه کردن به الگوهای بیگانه گسترش خواهد یافت. ما امروز به این احتیاج داریم. متأسفانه جامعه‌ی

نخبگانی ما هنوز در بخشهای مهمی از این مسئله به یک نتیجه‌ی صحیح و درست نرسیده‌اند؛ که این باید اتفاق بیفتد و به حول و قوه‌ی الهی اتفاق خواهد افتاد.

۳-۳- لزوم ریل گذاری و جاده سازی برای سالهای آینده جهت اداره کشور

هدف سوم ما هم این است که بالاخره برای اداره‌ی کشور در ده‌ها سال آینده، لازم است جاده‌سازی کنیم، ریل گذاری کنیم. این جلسه و جلسات مشابه، به این ریل گذاری و جاده‌سازی منتهی خواهد شد. اینها اهداف ماست از تشکیل این جلسه و جلسات بعدی که ان‌شاءالله تشکیل خواهد شد.

۳-۳-۱- مسئولیت همه در قبال برنامه ریزی برای آینده اداره کشور

بنابراین کار متعلق به اشخاص و مقامات نیست، کار متعلق به بنده نیست؛ این کار همه است. همه‌ی ما در زمینه‌ی این کاری که دارد انجام میگیرد، مسئولیت داریم. هر کدام به قدر توانائی‌های خودمان، ظرفیتهای خودمان، سعه و شعاع قدرتی که در اختیار ما هست، در این زمینه مسئولیم، که باید ان‌شاءالله دنبال کنیم. این یک مطلب.

۴- زمانبر بودن ارائه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

مطلب بعدی این است که محصول این کار، زودبازده نیست. ما با توجه به این نکته، وارد این قضیه شدیم. البته بعضی از آقایان طرحها و پیشنهادهایی برای محصول زود هم مطرح کردند، ایرادی هم ندارد؛ لیکن آن چیزی که مورد نظر ماست، جز در بلندمدت و با یک نگاه خوشبینانه در میانمدت، به دست نخواهد آمد؛ این یک کار طولانی است.

۵- الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یک سند بالادستی نسبت به همه‌ی اسناد برنامه‌ای و چشم‌انداز کشور

اگر ما توانستیم به حول و قوه‌ی الهی، در یک فرایند معقول، به الگوی {توسعه‌ی} اسلامی - ایرانی پیشرفت دست پیدا کنیم، این یک سند بالادستی خواهد بود نسبت به همه‌ی اسناد برنامه‌ای کشور و چشم‌انداز کشور و سیاستگذاری‌های کشور. یعنی حتی چشم‌اندازهای بیست‌ساله و ده‌ساله که در آینده تدوین خواهد شد، باید بر اساس این الگو تدوین شود؛ سیاستگذاری‌هایی که خواهد شد - سیاستهای کلان کشور - باید از این الگو پیروی کند و در درون این الگو بگنجد.

۵-۱- الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، الگویی منعطف با اهداف مشخص و راهبردهایی گوناگون

البته این الگو، یک الگوی غیر قابل انعطاف نیست. آنچه که به دست خواهد آمد، حرف آخر نیست؛ یقیناً شرائط نوبه‌نوی روزگار، ایجاد تغییراتی را ایجاب میکند؛ این تغییرات باید انجام بگیرد. بنابراین الگو، یک الگوی منعطف است؛ یعنی قابل انعطاف است. هدفها مشخص است؛ راهبردها ممکن است به حسب شرائط گوناگون تغییر پیدا کند و حکم و اصلاح شود. بنابراین ما در این قضیه هیچ دچار شتابزدگی نخواهیم شد. البته شتاب معقول باید وجود داشته باشد؛ لیکن شتابزده نخواهیم شد و ان شاء الله با حرکت صحیح و متینی پیش خواهیم رفت.

۶- مفردات الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

خوب، دوستان در زمینه مفردات این جمله، بحثهای خوبی کردند؛ «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت». درباره‌ی اینکه الگو معنایش چیست، ایرانی به چه لحاظ، اسلامی به چه لحاظ، و پیشرفت در چه جهات، بحثهای خوبی انجام گرفت.

۶-۱- تعمد در جایگزینی پیشرفت بجای توسعه

آنچه که من می‌خواهم اضافه کنم، این است که اولاً کلمه‌ی «پیشرفت» را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه‌ی «توسعه» را به کار ببریم. علت این است که کلمه‌ی توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جاافتاده‌ی متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیاوریم داخل مجموعه‌ی کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه می‌کنیم؛ این مفهوم عبارت است از «پیشرفت». «معادل معنای فارسی پیشرفت را میدانیم؛ میدانیم مراد از پیشرفت چیست. تعریف هم خواهیم کرد که منظور ما از این پیشرفتی که در فارسی معنایش روشن است، چیست؛ پیشرفت در چه ساحت‌هایی است، به چه سمتی است.

۶-۱-۱. وام‌نگرفتن مفاهیم از بیگانگان در ادبیات انقلاب

ما این وام‌نگرفتن مفاهیم را در موارد دیگری هم در انقلاب داشته‌ایم. ما از کلمه‌ی «امپریالیسم» استفاده نکردیم؛ کلمه‌ی «استکبار» را آوردیم. ممکن است یک زوایائی در معنای امپریالیسم وجود داشته باشد که مورد نظر ما نیست. حساسیت ما بر روی آن زوایا نیست؛ حساسیت ما بر روی آن معنایی است که از کلمه‌ی «استکبار» به دست می‌آید. لذا این را مطرح کردیم، در انقلاب جا افتاد؛ دنیا هم امروز منظور ما را می‌فهمد. و همچنین مفاهیم دیگری. مفهوم پیشرفت، برای ما مفهوم روشنی است. ما «پیشرفت» را به کار می‌بریم و تعریف می‌کنیم که مقصود ما از پیشرفت چیست.

۶-۲- در خصوص ایرانی بودن الگو

در خصوص ایرانی بودن الگو، علاوه بر آنچه که دوستان گفتند؛ که خوب، شرائط تاریخی، شرائط جغرافیائی، شرائط فرهنگی، شرائط اقلیمی، شرائط جغرافیای سیاسی در تشکیل این الگو تأثیر میگذارد - که قطعاً اینها درست است -

۱-۲-۶. ایرانی بودن طراحان الگو

این نکته هم مطرح است که طراحان آن، متفکران ایرانی هستند؛ این کاملاً وجه مناسبی است برای عنوان ایرانی؛ یعنی ما نمیخواهیم این را از دیگران بگیریم؛ ما میخواهیم آنچه را که خودمان لازم میدانیم، مصلحت کشورمان میدانیم، آینده‌مان را میتوانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم. بنابراین، این الگو ایرانی است.

۳-۶- اسلامی بودن الگو

از طرف دیگر، اسلامی است؛ به خاطر اینکه غایات، اهداف، ارزشها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ یعنی تکیه‌ی ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه‌ی اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما به این است که میتوانیم از منبع اسلام استفاده کنیم. خوشبختانه منابع اسلامی هم در اختیار ما وجود دارد؛ قرآن هست، سنت هست و مفاهیم بسیار غنی و ممتازی که در فلسفه‌ی ما و در کلام ما و در فقه ما و در حقوق ما وجود دارد. بنابراین «اسلامی» هم به این مناسبت است.

۷- الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت یعنی یک نقشه‌ی جامع

الگو هم نقشه‌ی جامع است. وقتی میگوئیم الگوی ایرانی - اسلامی، یعنی یک نقشه‌ی جامع.

۱-۷- سردرگمی ناشی از عدم وجود نقشه جامع

بدون نقشه‌ی جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ همچنان که در طول این سی سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. گاهی یک حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن حرکت و متناقض با آن را - هم در زمینه‌ی فرهنگ، هم در زمینه‌ی اقتصاد و در زمینه‌های گوناگون - انجام دادیم! این به خاطر این است که یک نقشه‌ی جامع وجود نداشته است.

۲-۷- تصویر وضعیت مطلوب و چگونگی نیل به آن با الگو

این الگو، نقشه‌ی جامع است؛ به ما میگوید که به کدام طرف، به کدام سمت، برای کدام هدف داریم حرکت میکنیم. طبعاً همین طور که دوستان گفتند، وضعیت مطلوب باید تصویر شود و چگونگی رسیدن از وضع موجود به آن وضع مطلوب هم بایستی بیان شود. یقیناً سؤالات زیادی مطرح خواهد شد؛ این سؤالات بایستی دانسته شود. یکی از آقایان اینجا گفتند چهار هزار سؤال وجود

دارد؛ این خیلی خوب است. این سؤالها شناخته شود، دانسته شود. این حرکت بایست در مجموعه‌ی نخبگانی ما به وجود بیاید. سؤالها مطرح شود، به این سؤالها پاسخ داده شود؛ این حرکت طولانی مدت است.

۷-۳- استفاده از دستاوردهای دیگران در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

البته اینکه ما میگوئیم ایرانی یا اسلامی، مطلقاً به این معنا نیست که ما از دستاوردهای دیگران استفاده نخواهیم کرد؛ نه، ما برای به دست آوردن علم، هیچ محدودیتی برای خودمان قائل نیستیم. هر جایی که علم وجود دارد، معرفت درست وجود دارد، تجربه‌ی صحیح وجود دارد، به سراغ آن خواهیم رفت؛ منتها چشم‌پسته و کورکورانه چیزی را از جایی نخواهیم گرفت. از همه‌ی آنچه که در دنیای معرفت وجود دارد و میشود از آن استفاده کرد، استفاده خواهیم کرد.

۷-۴- ضرورت پاسخ به سوالات

سؤالاتی مطرح است، که بعضی از این سؤالات اینجا مطرح شد و پاسخ داده شد، که من آنها را تکرار نمیکنم. حرفهای خوبی هم زده شد، که هیچ لزومی ندارد من آنها را تکرار کنم. البته مجموعه‌ی کارهایی را که انجام گرفته، من قبلاً دیده بودم؛ حالا هم مجدداً با دقت گوش دادم. حرفهای بسیار خوبی در اینجا مطرح شد.

۸- ضرورت تدوین الگو در این مقطع زمانی

بعضی سؤال میکنند که این مقطع زمانی به چه مناسبت است؟ بعد از آنکه اصل ضرورتش را قبول میکنند و قبول دارند، سوال میکنند که چرا قبلاً این کار انجام نگرفته، یا چه ضرورتی وجود دارد که حالا این کار انجام بگیرد؟ خوب، فاصله‌ی زیادی نشده است. برای این فرایندی که به منظور ایجاد و تدوین یک چنین الگویی حتماً طی خواهد شد، این سی سال، زمان طولانی‌ای نیست. تجربه‌ها متراکم میشود، معرفتها انباشته میشود، اوضاع و احوال سیاسی اقتضاء میکند؛ بعد به نقاطی میرسیم که مجهول بوده است و اینها را ان شاء الله معلوم خواهیم کرد.

۸-۱- ظرفیت مناسبی فعلی کشور برای تدوین الگو

به نظر من در این مقطع، ظرفیت کشور، یک ظرفیت مناسبی است. البته گفته شد که برای تدوین یک چنین الگویی، ما توانایی فکری نداریم. نمیتوانیم این را قبول کنیم. ظرفیتهای کشور، ظرفیتهای زیادی است. تا آن حدی که بنده اطلاع پیدا میکنم، به نظر ظرفیتهای بالفعل شده‌ی بسیار خوبی وجود دارد؛ هم در حوزه‌ی دانشگاهی، هم در حوزه‌ی علمیه‌ی قم و بعضی حوزه‌های دیگر.

علاوه‌ی بر این، استعدادها و ظرفیتهائی وجود دارد که میشود اینها را با مطالبه بالفعل کرد؛ اینها را وسط میدان آورد. ما اگر امروز این کار را شروع نکنیم و دنبال نکنیم، مطمئناً عقب خواهیم ماند و ضرر خواهیم کرد؛ لذاست که بایستی حتماً این حرکت که اینجور طراحی شده، پیش برود

۹- عرصه های پیشرفت در الگوی اسلامی ایرانی

آنچه که باز من اینجا اضافه میکنم، این است که عرصه‌های این پیشرفت را به طور کلی بایستی مشخص کنیم. چهار عرصه‌ی اساسی وجود دارد، که عرصه‌ی زندگی - که شامل عدالت و امنیت و حکومت و رفاه و این چیزها میشود - یکی از این چهار عرصه است.

۹-۱- پیشرفت در عرصه‌ی فکر

در درجه‌ی اول، پیشرفت در عرصه‌ی فکر است. ما بایستی جامعه را به سمت یک جامعه‌ی متفکر حرکت دهیم؛ این هم درس قرآنی است. شما ببینید در قرآن چقدر «لقوم یتفکرون»، «لقوم یعقلون»، «أفلا یعقلون»، «أفلا یتدبّرون» داریم. ما باید جوشیدن فکر و اندیشه‌ورزی را در جامعه‌ی خودمان به یک حقیقت نمایان و واضح تبدیل کنیم.

۹-۱-۱- شروع عرصه تفکر از نخبگان و سرریز به جامعه

البته این از مجموعه‌ی نخبگان شروع خواهد شد، بعد سرریز خواهد شد به آحاد مردم. البته این راهبردهائی دارد، الزاماتی دارد. ابزار کار، آموزش و پرورش و رسانه‌هاست؛ که باید در برنامه‌ریزی‌ها اینها همه لحاظ شود و بیاید

۹-۲- پیشرفت در عرصه‌ی علم

عرصه‌ی دوم - که اهمیتش کمتر از عرصه‌ی اول است - عرصه‌ی علم است. در علم باید ما پیشرفت کنیم. البته علم هم خود، محصول فکر است. در همین زمان کنونی، در حرکت به سمت پیشرفت فکری، هیچ نبایستی توانی و کوتاهی و کاهلی به وجود بیاید.

۹-۲-۱- شروع حرکت علمی در کشور

خوشبختانه چند سالی است که این حرکت در کشور شروع شده؛ نوآوری علمی و حرکت علمی و به سمت استقلال علمی حرکت کردن. علم هم اینجوری است دیگر؛ بلافاصله در قالب فناوری‌ها و اینها خودش را نشان می‌دهد. در موارد زیادی، محصول حرکت علمی هم مثل این مسئله‌ی مورد بحث ما از چیزهای بلندمدت نیست؛ نزدیکتر و ثمره‌ی آن دم‌دست‌تر است. کار علمی را بایستی عمیق و بنیانی انجام داد. این هم یک عرصه‌ی پیشرفت است.

۳-۹- پیشرفت در عرصه‌ی زندگی

عرصه‌ی سوم، عرصه‌ی زندگی است، که قبلاً عرض کردیم. همه‌ی چیزهایی که در زندگی یک جامعه به عنوان مسائل اساسی و خطوط اساسی مطرح است، در همین عنوان «عرصه‌ی زندگی» می‌گنجد؛ مثل امنیت، مثل عدالت، مثل رفاه، مثل استقلال، مثل عزت ملی، مثل آزادی، مثل تعاون، مثل حکومت. اینها همه زمینه‌های پیشرفت است، که باید به اینها پرداخته شود.

۴-۹- پیشرفت در عرصه‌ی معنوی

عرصه‌ی چهارم - که از همه‌ی اینها مهمتر است و روح همه‌ی اینهاست - پیشرفت در عرصه‌ی معنویت است. ما بایستی این الگو را جوری تنظیم کنیم که نتیجه‌ی آن این باشد که جامعه‌ی ایرانی ما به سمت معنویت بیشتر پیش برود. البته این در جای خود برای ما روشن است، شاید برای خیلی از حضار محترم هم روشن است؛

۱-۴-۹- عرصه معنوی روح همه عرصه‌های دیگر

اما باید برای همه روشن شود که معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر، هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه معنویت روح همه‌ی اینهاست. میتوان با معنویت قله‌های علم را صاحب شد و فتح کرد؛ یعنی معنویت هم وجود داشته باشد، علم هم وجود داشته باشد. دنیا در آن صورت، دنیای انسانی خواهد شد؛ دنیایی خواهد شد که شایسته‌ی زندگی انسان است.

۲-۴-۹- ایجاد دنیای انسانی با معنویت

دنیای امروز، دنیای جنگلی است. دنیایی که در آن علم همراه با معنویت، تمدن همراه با معنویت، ثروت همراه با معنویت، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود.

۱-۲-۴-۹- شروع دنیا با ظهور امام زمان عجل الله فرجه الشریف

البته نمونه‌ی کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیة‌الله (ارواحنا فداه) اتفاق خواهد افتاد و از آنجا - من این را اینجا عرض بکنم - دنیا شروع خواهد شد. ما امروز در زمینه‌های مقدماتی عالم انسانی داریم حرکت میکنیم. ما مثل کسانی هستیم که در پیچ و خمهای کوه‌ها و تپه‌ها و راه‌های دشوار داریم حرکت میکنیم تا به بزرگراه برسیم. وقتی به بزرگراه رسیدیم، تازه هنگام حرکت به

سمت اهداف والاست. بشریت در طول این چند هزار سال عمر خود، دارد از این کوره‌راه‌ها حرکت میکند تا به بزرگراه برسد. وقتی به بزرگراه رسید - که آن، دوران ظهور حضرت بقیه‌الله است - آنجا حرکت اصلی انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت سریع انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت موفق و بی‌زحمت انسان آغاز خواهد شد. زحمت فقط عبارت است از همین که انسان در این راه حرکت کند و برود؛ دیگر حیرتی در آنجا وجود نخواهد داشت .

به هر حال این چهار عرصه‌ی پیشرفت است که ما باید با توجه به این الگویی که ان‌شاء‌الله شماها دنبال میکنید - که سازوکار دنبال کردن این هم تا حدودی به نحو اجمال برایمان روشن است و خواهیم گفت - در این عرصه‌ها پیش برویم

۱۲- در باب محتوای اسلامی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

در باب محتوای اسلامی، دوستان اشارات خیلی خوبی داشتند.

۱-۱۰- توحید اولین مسئله محتوایی الگو

اولین مسئله‌ای که باید در نظر گرفته شود، مسئله‌ی مبدأ است، مسئله‌ی توحید است؛ «أَنَا لِلَّهِ وَ أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (۲)

۱-۱-۱۰- جدائی از خدا مهمترین مشکل دنیای امروز بویژه غرب

مهمترین مشکل دنیائی که امروز رنگین‌ترینش در غرب متجلی است و به آن داریم اشاره میکنیم، جدائی از خدا و اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد به خداست. البته شاید اعتقاد ظاهری و صوری و اینها وجود دارد، لیکن به اعتقاد به خدا التزام نیست.

۱-۱-۲- حل بسیاری از مسائل با حل مسئله‌ی مبدأ

اگر مسئله‌ی مبدأ حل شد، بسیاری از مسائل حل خواهد شد. «يَسِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»، (۳) «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (۴)

۱-۱-۳- توحید، نیروی عظیم در اختیار بشر موحد

وقتی انسان به این مسئله معتقد شد، این عزت الهی، این توحیدی که این معنا را به ما نشان میدهد، یک نیروی عظیم و تمام نشدنی را در اختیار بشر میگذارد. «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (۵) وقتی انسان اینجور توحیدی را معتقد بود، وقتی توانستیم این اعتقاد را در بدنهی زندگی خودمان بسط دهیم، این مشکل اساسی بشریت را حل خواهد کرد.

۱-۲- معاد دومین مسئله محتوایی الگو

مسئله‌ی دومی که مسئله‌ی اساسی است، قضیه‌ی معاد، قضیه‌ی محاسبه، قضیه‌ی تمام نشدن قضایا با زوال جسم - با مرگ - است؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ این که حساب و کتابی در کار است؛ «فمن يعمل مثقال ذرّة خیرا یره».

۱۰-۲-۱- تحول اساسی در زندگی با اعتقاد به معاد

ملتی که این اعتقاد را داشته باشد و در برنامه‌ی عملی‌اش این معنا باشد که «فمن يعمل مثقال ذرّة خیرا یره» و من يعمل مثقال ذرّة شرّاً یره» (۶) در زندگی‌اش تحول اساسی به وجود خواهد آمد. اعتقاد به امتداد نتایج عمل، ایثار و جهاد را معنا میبخشد و منطقی میکند.

۱۰-۲-۲- عقلانی بودن جهاد با اعتقاد به معاد

یکی از ابزارهای مهم ادیان - که در اسلام به طور واضحی وجود دارد - مسئله‌ی جهاد است. جهاد باید همراه با ایثار باشد؛ و الا جهاد نخواهد شد. ایثار یعنی از خودگذشتگی. در منطق عقل ابزاری، از خودگذشتگی یک امر بی‌منطقی است. خوب، چرا من از خودم بگذرم؟ این اعتقاد به معاد است که این را منطقی میکند، عقلانی میکند.

۱۰-۲-۳- انجام تکلیف با اعتقاد به معاد

وقتی ما معتقدیم که هیچ عملی از بین نخواهد رفت و همه‌ی اعمال محفوظ است و ما در آن زندگی واقعی - که حیوان واقعی و زندگی واقعی است؛ «انّ الدار الآخرة لهی الحیوان» (۷) این اعمال را در مقابل چشمان خواهیم دید، آن وقت اینجا اگر برای تکلیف، برای وظیفه یک چیزی را از دست دادیم، احساس خسارت نمیکنیم؛ ولو آن چیز جانمان باشد، ولو آن چیز عزیزان و فرزندانمان باشد. باید اینها جزو الگوی پیشرفت بیاید و در پیشرفت یک جامعه معنا پیدا کند. بنابراین مسئله‌ی اصلی، مسئله‌ی توحید و مسئله‌ی معاد است.

۱۰-۳- مسئله‌ی عدم تفکیک دنیا و آخرت در محتوای الگو

بعد مسئله‌ی عدم تفکیک دنیا و آخرت است؛ «الدّینا مزرعة الآخرة» (۸) که به نظر بعضی از دوستان هم اشاره کردند؛ این خیلی مهم است. دنیا و آخرت از هم جدا نیستند.

۱۰-۳-۱- آخرت و دنیا دو روی یک سکه

آخرت ما آن روی سکه‌ی دنیای ماست. «و انّ جهنّم لمحیطة بالکافرین»؛ (۹) کافر همین حالا توی جهنم است، متنها جهنمی که او نمیفهمد که الان توی جهنم است؛ بعد که این تجسم پیدا کرد، میفهمد. «ای دریده پوستین یوسفان / گرگ برخیزی از این خواب گران». الان او گرگ است، متنها احساس گرگی نمیکند. ما هم که چشمان بسته است، او را گرگ نمی‌بینیم؛ اما وقتی که از

خواب بیدار شدیم، می‌بینیم این گرگ است. پس پیوستگی دنیا و آخرت به این معناست. اینجور نیست که حالا مثلاً فکر کنیم دنیا مثل بلیتهای بخت آزمائی است؛ نه، اصلاً آخرت آن روی این دنیاست، آن روی این سکه است.

۱۰-۴- مسئله‌ی انسان در محتوای الگو

مسئله‌ی دیگر، مسئله‌ی انسان است؛ نگاه اسلام به انسان، محور بودن انسان. این موضوع در اسلام خیلی معنای وسیعی دارد. خوب، پیداست انسان اسلامی با انسانی که در فلسفه‌های مادی غرب و پوزیتیویسم قرن نوزده و اینها مطرح است، بکلی متفاوت است؛ این یک انسان است، آن یک انسان دیگر است؛ اصلاً تعریف این دو انسان یکی نیست.

۱۰-۴-۱- متفاوت بودن محوریت انسان در اسلام و مکاتب مادی

لذا محور بودن انسان هم در اسلام با محور بودن انسان در آن مکاتب مادی بکلی متفاوت است. انسان، محور است.

۱۰-۴-۲- رستگاری انسان هدف نهائی

همه‌ی این مسائلی که ما داریم بحث میکنیم: مسئله‌ی عدالت، مسئله‌ی امنیت، مسئله‌ی رفاه، مسئله‌ی عبادت، برای این است که فرد انسان سعادت‌مند شود. اینجا مسئله‌ی سعادت و مسئله‌ی عقبی متعلق به فرد است؛ نه به این معنا که انسان از حال دیگران غافل باشد، برای آنها کار نکند؛ نه، «من احياءها فكأنما احيا الناس جميعا» (۱۰) در روایت هست که معنای این جمله را از امام پرسیدند، فرمود: تأویل اعظم آن این است که تو کسی را هدایت کنی.

۱۰-۴-۲-۱- عمل به وظائف شرط نجات انسان

معلوم است که هدایت و وظیفه‌ی همه است؛ لیکن در نهایت آن چیزی که از نگاه اسلام برای انسان مطرح است و اهم است، نجات خودش است. ما باید خودمان را نجات دهیم. نجات ما به این است که به وظائفمان عمل کنیم؛ که البته آن وقت وظائف اجتماعی، استقرار عدالت، ایجاد حکومت حق، مبارزه‌ی با ظلم، مبارزه‌ی با فساد، اینها همه جزو مقدمات همان نجات است.

۱۰-۴-۲-۲- جامعه اسلامی و عدالت مقدمه رستگاری انسان

بنابراین اصل این است. همه چیز مقدمه است؛ جامعه‌ی اسلامی هم مقدمه است؛ عدالت هم مقدمه است. اینکه در قرآن کریم هست که «ليقوم الناس بالقسط» (۱۱) - که به عنوان هدف انبیاء ذکر شده - قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهائی عبارت است از رستگاری انسان؛ این بایستی مورد توجه باشد. انسان موجودی است مکلف، مختار و مواجه با هدایت الهی - «ألم نجعل له عينين. و لسانا و شفقتين. و هديناه التجدين» (۱۲) - (میتواند هدایت را انتخاب کند، میتواند ضلالت را انتخاب کند).

۱۰-۴-۳- مردم سالاری هم حق و هم تکلیف

انسان موجودی است متعهد، برای خود، برای جامعه، برای اهل. آن وقت با این نگاه، مردم سالاری علاوه بر اینکه برای مردم یک حق است، یک تکلیف هم میشود؛ یعنی همه‌ی مردم در امر حکومت جامعه مسئولند. نمیشود گفت که آقا به من مربوط نیست؛ نه، صلاح و فساد کشور، حکومت، اینها به یکایک انسانها مرتبط است؛ یعنی انسان در مقابل آن متعهد است. این هم یکی از آن عناصر اصلی است که بایستی در دیدگاه اسلام مورد ملاحظه قرار بگیرد و در این الگو رعایت شود.

۱۰-۵- مسئله‌ی حکومت در محتوای الگو

مسئله‌ی بعد، مسئله‌ی حکومت است؛ که باز در این باب هم اسلام نظرات ویژه‌ای دارد. صلاح فردی در امر حکومت در اسلام، یک امر بسیار مهم و اساسی است.

۱۰-۵-۱- مشروعیت مدیریت در وجود صلاحیت فردی

هر کسی به هر اندازه‌ای از مدیریت که میخواهد مباشرت کند، بایستی صلاحیت آن را در خودش به وجود بیاورد یا در خودش ببیند و بپذیرد؛ بدون این، عمل نامشروعی انجام داده. عدم علو، عدم اسراف، عدم استتار، مسئله‌ی مهمی در امر حکومت است. خداوند درباره‌ی فرعون میفرماید: «کان عالیا من المسرفین»؛ (۱۳) یعنی گناه فرعون این است: عالی است.

۱۰-۵-۱-۱- استعلاء و استتار، منع جواز صلاحیت برای ورود یا پذیرش مسئولیت

بنابراین برای حاکم، علو و استعلاء یک نقطه‌ی منفی است؛ نه خود او حق دارد استعلاء کند، نه اگر اهل استعلاء است، حق دارد قدرت را قبول کند، نه مردم اجازه دارند که او را به عنوان حاکم و امام جامعه بپذیرند.

استتار یعنی همه چیز را برای خود خواستن؛ در مقابل ایثار است. ایثار یعنی همه چیز را به نفع دیگران از خود جدا کردن، استتار یعنی همه چیز را به نفع خود از دیگران جدا کردن. علو و استعلاء و استتار جزو نقاط منفی حکومت است. امیرالمؤمنین در نهج البلاغه درباره‌ی بنی‌امیه فرمودند: «یاخذون مال الله دولا و عباد الله خولا و دین الله دخلا بینهم». یعنی دلیل بر اینکه اینها برای حکومت صلاحیت ندارند، این است که این خصوصیت را دارند: «یاخذون مال الله دولا»؛ یعنی اموال عمومی دست به دست بین خودشان میگردد، با اینکه مال عامه‌ی مردم است. «و عباد الله خولا»؛ مردم را مثل بردگان خود به حساب می‌آورند و استخدام میکنند. «و دین الله دخلا بینهم»؛ دین خدا را هم هر جوری که دوست میدارند، دستکاری میکنند. بنابراین در حکومت، اسلام نظر دارد. این بایستی در الگوی زندگی ما برای بلندمدت حتماً گنجانده و ملاحظه شود.

۱۰-۶- مسئله‌ی اقتصاد در محتوای الگو

در خصوص مسئله‌ی اقتصاد، آقایان بحث‌های خوبی کردند. «کی لا یكون دولة بین الأغنیاء منکم» (۱۴) یک معیار مهمی است.

۱۰-۶-۱- مسئله‌ی عدالت در محتوای الگو

مسئله‌ی عدالت، بسیار مهم است. یکی از ارکان اصلی این الگو باید حتماً مسئله‌ی عدالت باشد. اصلاً عدالت معیار حق و باطل حکومتهاست. یعنی در اسلام اگر چنانچه شاخص عدالت وجود نداشت، حقانیت و مشروعیت زیر سؤال است.

۱۰-۶-۲- لزوم نگاه غیر مادی به اقتصاد در الگو

مسئله‌ی دیگر، نگاه غیر مادی به اقتصاد است. بسیاری از این مشکلاتی که در دنیا پیش آمده، به خاطر نگاه مادی به مسئله‌ی اقتصاد و مسئله‌ی پول و مسئله‌ی ثروت است. همه‌ی این چیزهایی که دوستان از انحراف‌های غرب و مشکلات فراوان و مسئله‌ی استثمار و استثمار و اینها ذکر کردند، به خاطر این است که به پول و به ثروت نگاه ماده‌گرایانه وجود داشته. میتوان این نگاه را تصحیح کرد.

۱۰-۶-۱- تولید ثروت با نگاه الهی و برای سود جامعه

اسلام برای ثروت اهمیت قائل است، اعتبار قائل است. تولید ثروت در اسلام مطلوب است؛ منتها با نگاه الهی و معنوی. نگاه الهی و معنوی این است که از این ثروت برای فساد، برای ایجاد سلطه، برای اسراف نباید استفاده کرد؛ از این ثروت بایستی برای سود جامعه بهره برد. و بقیه‌ی مسائل فراوانی که وجود دارد. البته اینجا بحثها، بحثهای زیادی است. من نمیخواهم بحث را طولانی کنم؛ چون هم وقت گذشته، و هم لزومی ندارد فعلاً توی این جلسه ما اینها را بحث کنیم. ان شاء الله اگر عمر باشد، و قتهای زیادی برای این بحثها خواهیم داشت.

۱۳- آغاز راه در باب مسئله‌ی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

ما گفتیم این آغاز یک راه است؛ یعنی جلسه‌ی امشب ما یک شروع بود؛ این باید ادامه پیدا کند. ممکن است درباره‌ی همین مسئله‌ی الگوی اسلامی - ایرانی برای پیشرفت، ده و شاید ده‌ها گردهمایی و نشست لازم باشد.

۱۱-۱- تشکیل دهها حلقه علمی و ورود صدها نخبه برای تدوین الگو

ممکن است دهها حلقه‌ی علمی لازم باشد که در دانشگاه‌های مختلف تشکیل شود. ممکن است صدها نفر از فرزندان و نخبگان و دانشمندان ما که ترجیح میدهند کار شخصی بکنند - اهل کار جمعی نیستند - آماده باشند در خانه‌های خودشان مطالعه کنند؛ از اینها بایستی استفاده شود. حلقه‌های فکری تشکیل شود، دانشگاه‌ها و حوزه‌ها با این مسئله درگیر شوند، تا اینکه بتوانیم ان شاء الله

این را به نقطه‌ی مطلوب خودش برسانیم. البته گزارشی که آقای دکتر داوودی دادند، گزارش بسیار خوبی بود؛ من هم کم‌وبیش بی‌اطلاع نبودم از این مطالبی که ایشان گفتند؛ لیکن با این تفصیل ما اطلاع نداشتیم. اینها بسیار خوب است، با هم هیچ منافاتی ندارد.

۱۱-۲- به میدان آمدن همه ظرفیت نخبگانی کشور جهت تدوین الگو

این کار، کار یک مجموعه‌ی خاص و محدود نیست؛ کاری است که باید همه‌ی ظرفیت نخبگانی کشور به میدان بیاید. همان طور که عرض کردیم، کار کوتاه‌مدت و از آن پروژه‌های زودبازده هم نیست؛ این کار بلندمدتی است، باید انجام بگیرد، عجله‌ای هم نداریم. ما پیش خواهیم رفت. این چیزی هم نیست که دولتها یا مجالس بتوانند آن را تصویب کنند؛ این - همان جور که گفتیم - نسبت به همه‌ی اسناد مهم سازنده‌ی فعال در کشور، جایگاه بالادستی دارد؛ باید خیلی مراحل را طی کند و به یک قوام لازم برسد. این فکرها باید کاملاً ورز بخورد تا اینکه بتواند به یک نقطه‌ی اساسی برسد.

۱۱-۲- لزوم ایجاد یک مرکز پشتیبانی و غیر انحصاری در مورد الگو

یک مرکزی هم برای این کار لازم است که این مسئله را دنبال کند؛ این مرکز را ان‌شاءالله تشکیل خواهیم داد. باید جایی باشد که این حرکت را در انحصار نگیرد. ما از آن مرکز توقع نخواهیم کرد که این کار را او انجام دهد؛ بلکه توقع خواهیم کرد که او این حرکت عظیم نخبگانی در کشور را زیر نظر بگیرد، از آنها خبر بگیرد، به آنها کمک کند، پشتیبانی‌های گوناگون بکند؛ جوری باشد که این حرکت متوقف نشود. البته عرض کردیم؛ لازم است یک کانون مرکزی و ستادی به وجود بیاید و ان‌شاءالله به وجود خواهد آمد.

بنابراین امشب کار ما با شما تمام نمیشود. یعنی این مسئله، مسئله‌ای نیست که توی این جلسه شروع شده باشد و توی این جلسه تمام شود؛ این ان‌شاءالله ادامه پیدا خواهد کرد. البته جمعهای گوناگونی خواهند بود؛ یعنی افراد فراوانی هستند، شخصیتهای مختلفی هستند. همان طور که آقای دکتر واعظ زاده سفارش کردند، من هم درخواست میکنم آقایانی که نظراتی دارند و میخواستند نظرات خود را بیان کنند، این نظرات را بدهند. مطالبی هم که اینجا گفته شد، بعضی از آنها مطالبی است که انسان باید رویش فکر کند؛ یعنی بایستی حلقه‌های فکری تشکیل شود، روی اینها بحث شود، حلایجی شود، دفاع شود، اشکال بشود، ان‌قلت و قلت طلبگی انجام بگیرد تا ان‌شاءالله به یک نتایجی برسیم. والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

(۱) درخواست آقای واعظ زاده از رهبر معظم انقلاب اسلامی، برای ایراد بیانات مبسوط در این جلسه

- ۳ حشر: ۲۴
- ۴ فتح: ۷
- ۵ حشر: ۲۳
- ۶ زلزله: ۷ و ۸
- ۷ عنکبوت: ۶۴
- ۸ ارشاد القلوب: ج ۱، ص ۸۹
- ۹ توبه: ۴۹
- ۱۰ مائده: ۳۲
- ۱۱ حدید: ۲۵
- ۱۲ بلد: ۸ - ۱۰
- ۱۳ دخان: ۳۱
- ۱۴ حشر: ۷